

مرغ از قفس پرید آتش سرد شد

امیرفیض- حقوقدان

شاهرودی درحالیکه معالجه بیمارستانی او ناتمام ماند از آلمان توانست بسوی جمهوری اسلامی فرار کند.

ازخبرها معلوم شد که شاهرودی دارای گذرنامه سیاسی و مصونیت نبوده و یک فرد عادی بوده است و این مورد تفاوت دارد با مورد <زکیر آلماتف Zokir Almatov> وزیر کشور پیشین ازبکستان که درست همانند شاهرودی به هانور آلمان آمده بود و عده ای درخواست توقیف و محاکمه او را داشتند و او آلمان را ترک گفت زکیر آلماتف Zokir Almatov^۱ دارای گذرنامه سیاسی و مصونیت بود و شاهرودی نبود.

درست است که روابط اقتصادی و سیاسی بین کشورها همواره مسائلی نظیر شاهرودی را تحت الشعاع قرار میدهد (نمونه - قاچاق تریاک طباطبائی در آلمان) ولی طرز عمل و تقابل با دولت آلمان برای توقیف موقت شاهرودی بسیار موثر بود.

این قبیل دعاوی را نمیتوان به قوت وکلای ایرانی و یا شاکی جلوگیری نیاز به فرم های منتفذ و ذی صلاحیت و سابقه دار دارد که اگر در طیف مشاوره جای موفقیتی نباشد مطرح نگردد.

بنده وقتی تصویری از نماینده سابق سبز آلمان را دیدم همان موقع دانستم که قضیه بسیار ضعیف است؛ چرا که نماینده مزبور ظاهراً سپر مجاهدین خلق بوده است و یک شکایتی که میتوان گفت اعلام جرمی به دادستان داده است در این حال آن نماینده سبز آلمان حق دخالت و تعقیب موضوع را ندارد مگر آنکه دادستان از او درخواستی بنماید.

در حالیکه آنطور که برنامه های مجاهدین نشان میداد مادران دخترانی که بوسیله هیئت قضات اعدام های سال ۶۸ بدون محاکمه اعدام شده اند در آلمان حضور داشته اند، شکایت نباید بعنوان اعلام جرم آنهم از سوی یک نماینده سابق آلمان (نه فرم حقوقی آلمانی) مطرح میشد، این نوع شکایتها که در ماهیت اعلام جرم است همان سنگ مفت و گنجشک مفت است.

بنده به آئین دادرسی کیفری آلمان آگاه نیستم ولی اگر قرینه این مورد در دادگاه های ایران قبل از شورش مطرح میشد حق بود که شاکیان ضمن اعلام شکایت درخواست صدور قرار عدم خروج از ایران را هم از دادگاه میگردند و اعلام آمادگی نیز مینمودند که وثیقه لازم را برای جبران خسارات احتمالی طرف قرار عدم خروج خواهند سپرد.

۱ - زکیر آلماتف Zokir Almatov در دهم اکتبر ۱۹۴۹ دنیا آمده و تا سال ۲۰۰۵ وزیر کشور ازبکستان بود و گفته میشود عضو گروه بسیار قوی سیاسی که مرکز آن سمرقند است میباشد. او از دوستان رستم اینویاتوف که زمانی رییس بنیاد امنیت ملی ازبکستان بود، میباشد. زکیر الماتف به دلیل مشکل بیماری استعفا داده بود. ح-ک

البته درحالیکه موضوع شکایت از شاهرودی بصورت اعلام جرم بوده است فصل درخواست صدور قرار عدم خروج از آلمان هم منتفی بوده است چراکه اعلام جرم با شکایت بسیار متفاوت است و در اولی که اعلام جرم است شاکی مدعی العموم است نه اعلام جرم کننده.

درخبرها خواندم که دادستان هاتور گفته است بصرف اینکه کسی حکم اعدام را امضا کرده باشد نمیتوان مجرم شناخت، استدلال کاملا درستی است ولی آیا دادستان آلمان در جریان بوده است که قاضیان کسانی بوده اند با پرسش از زندانی که آیا سرموضع هست یا خیر حکم اعدام میداده اند، آیا دادستان آلمان به چنین احکامی هم اعتبار قضائی میدهد؟

ما ایرانیان باید به یک نکته اساسی بی توجه نمائیم و آن این است؛ همانطور که وکلای ایرانی در دادگاه ها و پیچ و خم محاکمات ایران تجربه و تخصص خاصی دارند؛ در دادگاه های خارجی ما بکل از آن موقعیت های محروم هستیم و باید به پذیریم که مشکلات بزرگ ایرانیان را بوسیله فرم های معروف حل و فصل کنیم مانند همان تعقیب خامنه ای.

تعقیب شاهرودی در آلمان هرچند به نتیجه دلخواه منتج نشد و همینکه شاهرودی ناچار شد در مانش را نیمه کاره رها کرده و به ایران فرار کند در حد یکی از وقایع مبارزه ایرانیان نشان خواهد داشت **ولی تالی فاسد این شکست در ابعاد مبارزه علیه جمهوری اسلامی آنچنان وسیع و فراگیر است که ارزیابی آن در آینده ممکن خواهد شد**